

## پایان غربت



«استخوان سوز سیاهی زمستان شده‌ام، بلکه نوروز بیاید به بهارم برسم»؛ پایان غربتش در فرودگاه مهرآباد به تصویر کشیده شد و در رسانه‌ها با تیتراژ «امام آمد» ماندگار شد.

«استخوان سوز سیاهی زمستان شده ام، بلکه نوروز بیاید به بهارم برسم»؛ پایان غربتش در فرودگاه مهرآباد به تصویر کشیده شد و در رسانه‌ها با تیتراژ «امام آمد» ماندگار شد.

به گزارش ایسنا، امروز ۱۲ بهمن چهل و چهارمین سالروز ورود تاریخی حضرت آیت الله العظمی سید روح الله موسوی خمینی رهبر نهضت اسلامی به میهن عزیزمان در سال ۱۳۵۷ است.

با عقب نشینی شاپور بختیار از تصمیمش در بستن فرودگاه مهرآباد و انتشار خبر این عقب نشینی در شامگاه نهم بهمن ۱۳۵۷ از رادیو و تلویزیون، کمیته استقبال از امام خمینی بی درنگ با انتشار اطلاعیه ای خبر از ورود رهبر کبیر انقلاب اسلامی به میهن در ساعت ۹ صبح روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ داد.

امام خمینی در خیابان نوفل لوشاتو

یک روز بعد از انتشار خبر، هیات وزیران در نشست دهم بهمن در رای گیری جمعی از نظر جدید نخست وزیر حمایت کردند و به سرعت مصوبه دولت در رادیو و تلویزیون و رسانه های جمعی منتشر شد و به دنبال آن نفربرها، تانک ها و خودروهای نظامی ارتش شاهنشاهی از باند فرود و محوطه فرودگاه مهرآباد خارج شدند.

آیت الله شهید مرتضی مطهری و آیت الله شهید محمد مفتح و بقیه اعضای شورای مرکزی کمیته استقبال از امام خمینی فوراً مشغول مذاکره با مدیران سازمان هواپیمایی کشوری شدند تا باند فرود و محوطه داخلی فرودگاه مهرآباد برای پرواز هواپیمای حامل امام خمینی آماده شود.

همزمان با قطعی شدن سفر امام خمینی به ایران شایعاتی درباره احتمال ساقط شدن هواپیمای حامل امام از سوی دول متخاصم و نگرانی هایی درباره مخالفت بختیار با ورود پرواز امام به آسمان ایران بین مردم و نیروهای انقلاب دهان به دهان شد از این رو مسوولان کمیته استقبال از امام مذاکراتی را با مقامات دولت بختیار انجام دادند و تضمین های لازم برای نشستن سلامت پرواز امام در فرودگاه مهرآباد را از دولت بختیار دریافت کردند.

هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای ایران در نوفل لوشاتو، یاران امام در تدارک یافتن ایرلاین مناسب برای پرواز به ایران برآمدند. آنان از طریق نیروهای انقلاب در ایران با هواپیمایی هما مذاکره کردند و این شرکت هواپیمایی پروازی را به نام «پرواز انقلاب» تعیین کرد تا با سفر به فرانسه امام را به وطن برگرداند اما با بسته شدن فرودگاه مهرآباد و سایر فرودگاه های کشور توسط شاپور بختیار و امرای ارتش شاهنشاهی امکان پروازهای خارجی و داخلی از بین رفت.

با وضعیتی که به وجود آمد همراهان امام در فرانسه بار دیگر دست به کار شدند تا پس از بازگشایی فرودگاه مهرآباد بتوانند این سفر را از طریق ارلاین های غربی انجام دهند. به این منظور با چند شرکت های هواپیمایی اروپایی به مذاکره نشستند اما هیچ یک از آنها ریسک پرواز به ایران را نپذیرفتند.

یاران امام خمینی سرانجام سراغ شرکت هواپیمایی ایرفرانس رفتند و با مذاکراتی که با مقامات سیاسی فرانسه و ایرفرانس انجام دادند، ارلاین فرانسوی شرایطی را برای انجام این پرواز تعیین کرد و با قبول این شرایط توسط دولت وقت ایران و نیروهای انقلاب، پرواز ۴۷۲۱ را به مقصد ایران چارتر و قطعی کرد. پول اجاره و بیمه این پرواز توسط مرحوم حاج کریم دستمالچی پرداخت شد.

آیت الله سید حسین موسوی تبریزی داماد آیت الله حسین نوری همدانی در خاطره ای از این ماجرا، گفت: «تصمیم امام این بود که در هر شرایطی به ایران بیایند. اطرافیان امام در پاریس با ایرفرانس وارد مذاکره شدند و در نهایت شرکت ایرفرانس با تأیید از مقامات دولت فرانسه پذیرفت که حضرت امام و اطرافیانش را به ایران منتقل کند... د. این پرواز که به خاطر هماهنگی های انجام شده با دولت ایران و همچنین مقررات بین المللی مربوط به پرواز هواپیماهای مسافربری که ایران هم بدان پایبند بود، خطری را متوجه هواپیما و کادر پروازش نمی کرد.»

پرواز شماره ۴۷۲۱ هواپیمای بویینگ ۷۴۷ شرکت هواپیمایی ایرفرانس از فرودگاه شارل دوگل فرانسه که فرار بود ساعت ۹ صبح روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ در فرودگاه مهرآباد روزی زمین بنشیند به دلیل تاخیر، ساعت ۹ و ۲۷ دقیقه و ۳۰ ثانیه بر روی باند مهرآباد نشست.

در این پرواز علاوه بر امام و همسرشان، سید احمد پسر کوچک امام، همسر و فرزندانش به همراه همسر و فرزندان سید مصطفی برادر جان باخته اش در عراق و بیش از ۳۰ نفر از همراهان امام از جمله حجج اسلام حسن لاهوتی، محمدعلی صدوقی، سید محمود دعایی، محمد منتظری، هادی غفاری، اسماعیل فردوسی پور و سید محمد موسوی خوئینی، حسن حبیبی، ابوالحسن بنی صدر، حاج مهدی عراقی، سید صادق طباطبایی، صادق قطب زاده، داریوش فروهر، ابراهیم یزدی، حبیب الله عسگری اولادی، شاهرخ حاتمی، رسول صدراعلمی، محمدمحسن سازگارا، تقی ابتکار و احمد غضنفرپور حضور داشتند.

سرخلبان هواپیمای ایرفرانس ژان موعی و کمک خلبانش ژرژان باتاوش بوئینگ ۷۴۷ را از فرودگاه شارل دوگل فرانسه به مقصد مهرآباد هدایت کردند.

### حال مسافران

رسول صدراعلمی فرستاده ویژه روزنامه اطلاعات به فرانسه در گزارشی از پرواز انقلاب به تشریح حال و هوای پرواز انقلاب پرداخت و نوشت:

«ساعت ۱۱ شب است، ساعت حرکت یک بامداد است. دل در دل هیچکس نیست... در این لحظه تاریخی، امام که هیچگاه فرصت استراحت نداشتند، وقتی اطراف خود را خلوت دیده بودند، در کمال آرامش خاطر به استراحت مشغولند.

... ساعت ۱۲ نیمه شب است. دهکده نوفل لوشاتو زیر نور پروژکتورهای خبرگزاری های سرتاسر جهان مثل روز روشن است. انگار ساعت ۱۲ ظهر است. فرانسویان مبادی آداب که هیچ اتفاق و حادثه ای نمی تواند برنامه زندگی آنها را به هم بریزد، همگی بیدارند. آن هم نه در داخل خانه، خارج از آن و در خیابان. آن هم در این سرمای سخت.

در تمام طول اتوبانی که به فرودگاه شارل دوگل پاریس منتهی می شود، اداره پلیس فرانسه چند متر به چند متر در دو سوی اتوبان پلیس مسلح گمارده است. راننده تاکسی که ما را به فرودگاه می برد می گوید: «۲۲ سال است در این شهر راننده تاکسی هستم، شاهد ورود و خروج بسیاری از شخصیت های جهانی به این فرودگاه بودم ولی هرگز به یاد ندارم چنین تشریفات باشکوهی دیده باشم. خوش به حالتان آقا. آیت الله شما پشت دنیا را لرزانده است. خوب مواظبش باشید.»

... ساعت ۱ و ۱۵ دقیقه است. دقایقی قبل هواپیما، فرودگاه شارل دوگل پاریس را زیر بال های خود گرفت. هواپیما دو میهماندار کم دارد. آنها حاضر نشده بودند با این پرواز سفر کنند. خلبان و کمک خلبان هواپیما هم به طور داوطلب انتخاب شده اند. هواپیما که اوج می گیرد، همه از جای خود بلند می شوند. هیچکس آرام و قرار ندارد. میهمانداران روسری سر کرده اند و در جواب خبرنگاران هیجان زده غربی که از آنها مشروب قوی می خواهند، با لیخنند می گویند: «نه، متأسفیم؛ این یک پرواز اسلامی است... ت. آب میوه می خواهید تقدیم تان کنیم» و آن وقت سیگار پشت سیگار است که دود می شود.

... هر وقت به یاد می آوریم این هواپیما را هیچ شرکت بیمه ای برای این پرواز بیمه نکرده است، کمی دلشوره می گیریم ولی ما که با خواندن دعا فراموشش می کنیم، خارجی ها را نمی دانم.

ساعت ۳ بامداد است. امام برای خواب و استراحت به طبقه فوقانی هواپیما می روند. زیراندازشان یک پتو است و رواندازشان، عبایشان. خبرنگاران خارجی ماشین تحریرشان را در آورده اند و خودشان را به تایپ گزارش مشغول کرده اند... خبرنگاران از مصاحبه با امام در داخل هواپیما نا امید شده اند.

امام نماز صبح را داخل هواپیما می خوانند و دیگر ایرانیان نیز و امام پس از خواندن نماز صبح به جای خود در جلوی هواپیما باز می گردند. هوا روشن شده است. امام به خبرنگاران اجازه گرفتن عکس و فیلم می دهند، فقط همین.

لحظه بزرگ نزدیک است. امام مرتب از شیشه هواپیما خارج را نگاه می کنند. کمک خلبان اعلام می کند در آسمان ایران هستیم. بدون استثنا همه هیجان زده هستند. خبرنگاران خارجی با نگاه با یکدیگر حرف می زنند. آنها معتقدند اگر پایان این سفر از نظر آنها به خیر و خوشی باشد و پای شان بار دیگر به زمین برسد، بزرگ ترین موفقیت حرفه ای خود را کسب کرده اند.

ساعت هفت و ۴۰ دقیقه صبح است و در آسمان تهران هستیم. خوب که نگاه می کنم برج مراقبت فرودگاه مهرآباد را می بینم. دقایقی بعد بقیه هم که متوجه می شوند، همه ایرانیان فریاد می زنند «الله اکبر» و خبرنگاران خارجی سوت می زنند و دست هایشان را به هم می کوبند.

هواپیما پایین می آید. پایین و باز هم پایین تر. اما همین که وقت فرود کاملش می رسد، دوباره اوج می گیرد. آه از نهاد همه بلند می شود. فکر کردیم اجازه فرود نداده اند اما با چه جرأتی؟ خیال باطلی بود. بعدها فهمیدیم از برج مراقبت به خلبان گفته اند: «دلت می خواهد با شکوه ترین، جالب ترین و استثنایی ترین ماجرای قرن را ببینی و به خوبی حس کنی، پس قبل از فرود، آسمان تهران را با ارتفاع کم دور بزنی ... و چند لحظه بعد ما بر فراز بهشت زهرا بودیم ... چه شکوه و عظمتی داشت دیدن این صحنه. تا چشم کار می کرد مردم موج می زدند.

صدایی نمی شنیدیم، اما به خوبی فریادها را حس می کردیم و اینجا نقطه پایان یک سفر پر شکوه و افسانه ای بود و آغاز سفری به سوی پیروزی کامل.

پایان غربت

حال امام

با رسیدن وقت نماز شب امام امت به طبقه دوم هواپیما رفت و بعد از مناسک نماز برای استراحت به طبقه پایین هواپیما برگشت. چهره امام حکایت از آرامش درونی داشت. این آرامش به حدی نمایان بود که مهماندار هواپیما متعجب شده بود.

هنگام طلوع خورشید، امام و همراهان شان نماز صبح را به جماعت خواندند.

پس از ورود هواپیما به آسمان ایران، خبرنگاری از امام درباره احساسش پرسید. امام با همان آرامش همیشگی شان پاسخ داد: «هیچ»

هواپیما ساعت ۹ و ۲۷ دقیقه و ۳۰ ثانیه روی باند فرودگاه مهرآباد نشست و به همه نگرانی ها درباره سرنوشت پرواز انقلاب پایان داد.

با باز شدن درهای هواپیما حجت الاسلام سید مرتضی پسندیده برادر بزرگ تر امام خمینی و دقایقی بعد آیت الله شهید مرتضی مطهری برای خوشامدگویی و استقبال از امام به داخل هواپیما رفتند و دقایقی بعد همراه امام از هواپیما پیاده شدند. بعد از خروج آنان نوبت به بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران رسید.

امام امت با همراهی آیت الله مرتضی مطهری و دیگر همراهان شان دست در دست کمک خلبان از هواپیما پیاده شدند.

گزارش رسانه ها

روزنامه کیهان در گزارشی به دیدارهای اولیه امام در فرودگاه امام پرداخت و نوشت: «در سالن فرودگاه قسمت های کوچکی آماده شده بود که نمایندگان گروه های مختلف اجتماعی به این ترتیب از امام خمینی استقبال کردند: روحانیون، برادران اهل تسنن، اقلیت های مذهبی، احزاب و جمعیت های سیاسی، استادان دانشگاه، قضات و حقوقدانان، دانشجویان، پزشکان و مهندسان، سندیکای مشترک صنایع نفت، دهقانان، کارگران، معلمان، بازرگانان، اصناف و نمایندگان وسایل ارتباط جمعی.»

آیت الله سید محمدکاظم شریعتمداری هم از طریق تلگراف ورود حضرت امام خمینی را تبریک گفت.

روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز در گزارشی از رفتار امام خمینی با مقامات فرانسوی، نوشت: «آیت الله خمینی در بیانیه ای که از فرودگاه شارل دوگل منتشر کرد از فرانسه به خاطر مهمان نوازش و از مردم فرانسه به خاطر درک شان از آزادی تشکر کرد و گفت: «من اکنون راهی وطنم هستم تا به آن خدمت کنم.»

هوایمای حامل ایشان دو برابر ظرفیت معمولش سوخت حمل کرده است که در صورت لزوم هوایمما بتواند دور بزند و به پاریس برگردد. در نزدیکی فرودگاه مهرآباد جایی که قرار بود هوایمما آقای خمینی فرود آید روی پارچه ای نوشته است: «اکنون پرچم انقلاب در دستان شماست» و روی پارچه دیگری نوشته «شما رهبر دینی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی مایید.»

#### فرودگاه تا بهشت زهرا

کمیته استقبال از امام خمینی برای انتقال امام خمینی از فرودگاه مهرآباد به بهشت زهرا تدابیر مختلفی اندیشیده بود اما تدارکاتی که جنبه تشریفاتی داشت به دلیل مخالفت امام اجرا نشد.

حجت الاسلام اسماعیل فردوسی پور از مسافران پرواز فرانسه در خاطره ای گفت: «آیت الله بهشتی زنگ زدند که برای تشریف فرمایی حضرت امام مقدماتی تهیه دیده ایم: استقبال بسیار عظیم و گسترده خواهد بود. فرودگاه مهرآباد را قالی فرش می کنیم، شهر را چراغانی و تزئین خواهیم کرد و حضرت امام خمینی را با هلیکوپتر به بهشت زهرا می بریم زیرا ازدحام آن قدر زیاد است که با ماشین خطرناک است.» مطالب را یادداشت کردم و به عرض امام رساندم. امام بعد از شنیدن سخنانم فرمودند: «برو متصل شو به ایران و به این آقایان بگو مگر کوروش را می خواهند وارد ایران بکنند؟ یک طلبه از ایران خارج شده و همان طلبه به ایران برمی گردد. من با هلیکوپتر به بهشت زهرا نخواهم رفت.»

طبق اوامر آن حضرت با ایران تماس گرفتم و گفتم امام بزرگوار این طور می فرمایند. دکتر بهشتی اصرار داشت که امکان ندارد، ازدحام به قدری زیاد است که حضرت امام زیر دست پای مردم له می شوند و ... دوباره محضر امام رسیدم و گزارش دادم، فرمودند: «من باید مانند سایر مردم حرکت کنم ولو زیر دست و پا بروم و له بشوم.»

با وجود این مخالفت، کمیته استقبال از امام به دلیل بالا دانستن احتمال تهدید جانی امام، هلیکوپتری را تدارک دید تا در صورت نیاز از آن استفاده کند.

هاشم صباغیان از اعضای کمیته استقبال از امام در خاطره ای از پیش بینی هلیکوپتر، تعریف کرد: «همه گروه ها چه داخل حاکمیت و چه اپوزیسیون با ما همکاری کردند. مثلا ما می دانستیم که امام خمینی نمی توانند از بهشت زهرا تا مدرسه علوی را با ماشین بروند، به همین دلیل باید هلیکوپتری تهیه می کردیم که آن هم دست نیروهای نظامی بود. به هر حال با ارتباطاتی که داشتیم از همافران، کسی پیدا شد که این کار را انجام دهد. من خودم با این خلبان مصاحبه کردم و او روز قبل از مراسم هم هلیکوپتر را به مدرسه آورد و نشستن و برخاستن را امتحان کرد.»

#### استقبال بی نظیر

گزارش های هوایی از حضور مردم در خیابان ها و میدانی شهر تهران و جاده های منتهی به بهشت زهرا حکایت از حضور میلیون ها نفر از مردم تهران، ورامین، ری و دیگر شهرهای دور و نزدیک به تهران داشت. استقبال بی نظیر مردم از امام به حدی بود که خودروها و موتورسیکلت ها در میانه جمعیت متوقف بودند.

روزنامه کیهان در ویژه نامه ای که بعدازظهر ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ منتشر کرد، نوشت: «طول جمعیت استقبال کننده ۳۳ کیلومتر بود. ۳۳ کیلومتر گل در مسیر بهار تازه. از مهرآباد تا بهشت زهرا شاخه های سرخ و سفید گل، کیلومتر به کیلومتر در دست مردم بود. این خط طولانی، بهار سیاسی ایران بود. تا گورستان شهدا، تا درون تاریخ جدید... د. و سه ردیف در تمام این ۳۳ کیلومتر دست ها را در دو طرف مسیر امام در هم قفل کرده بودند، زنجیره انسانی که پیوند مشیت ها و انگشت ها و پیام وحدت و نوید آن بود.»

خبرگزاری یونایتدپرس نیز استقبال کنندگان از امام در حد فاصل فرودگاه مهرآباد تا بهشت زهرا را بالغ بر ۴ میلیون و جمعیت حاضر در بهشت زهرا را ۵۰۰ هزار نفر برآورد کرد.

خبرنگار رادیو کلن آلمان هم جمعیت مشتاق امام را بین ۵ تا ۶ میلیون نفر و خبرنگاران روزنامه های داخلی نیز تقریبا همین اعداد را مخابره کردند.

منابع:

مجله معارف، دی و بهمن ۱۳۹۰، شماره ۸۹

خطرات پاران انقلاب، مرکز اسناد انقلاب اسلامی